



پیغام پسغام

تعارف را که می‌دانید، بر دو قسمت است. این تعارفی که ما در باب ادامه ستون پیغام پسغام زدیم، آمد و نیامد داشت و پایمان گیر افتاد. به هر حال چاره‌ای نیست جز این که راهی را که انتخاب کرده‌ایم ادامه بدهیم. تا چه پیش آید!

مسابقه از راه رسید

یادمان نیست کدام بزرگوار با مجله تماس گرفتند. اما به‌خاطر داریم که از عدم پیگیری و طرح مسابقه‌هایی که سابق بر این در مجله معمول بوده، گله‌مند بودند.

حضرت آقا... مسابقه را از این شماره به بعد داشته باشید. (این هم یکی دیگر از آن تعارف‌هایی که آمد و نیامد دارد!)

کارمندان مشغول کارند!

برخلاف شماره قبلی و به تبع آن پیغام پسغام شماره قبلی که خانم‌ها ستون پیغام پسغام را آباد کرده بودند، این بار آقایان ناپرهیزی کرده و حساسی به خودشان و ما و مجله حال دادند!

جناب آقای رضایی از زرین شهر اصفهان...

ان شاءالله آن هم چشم!

برنامه‌ریزی‌هایی برای انتقال مجدد مجله روی دکه‌های عرضه مطبوعات انجام داده‌ایم. علی الحساب تا برنامه‌ریزی ما وارد مراحل مطالعاتی، تحقیقاتی، آزمایشی، برآورد هزینه و... شود، شما مشترک مجله بمانید تا صبح امید شما و ما و ایضا سایر مخاطبان مجله، بدمد!

هفته‌نامه می‌شویم!

برادر عزیز، آقای حاجیلو

از وجنات و کمالات و ایضا نفس‌تان که مشخص است از جای گرم بلند می‌شود (!)

معلوم می‌شود دل بی‌غمی دارید!

با این اوصاف، امر شما را هم چشم!

مجله را سه‌سوته برایتان از ماه‌نامه به هفته‌نامه و بالعکس تبدیل می‌کنیم. فقط یک شرط دارد که آن هم خیلی چیز مهمی نیست.

پول!

ای آقا... اینها چرک کف دست است! حیف که ما دست‌مان خیلی چرکی نیست!

روی میز تحریریه

۱. آنچه پیش روی شماست، حاصل تلاش دو ماهه تیم دیدار آشنا برای مهیا کردن ویژه‌نامه محرم است.

دو ماه تمام خواب و خوراک دیداری‌ها ویژه‌نامه محرم بود و حاصل زحمات‌مان هم، شد همین که ملاحظه می‌فرمایید.

ان شاءالله صاحب این ماه عزیز قابل بدانند.

۲. بزرگوارانی این‌جا هستند که این شماره دل‌شان شکست!

خیلی دوست داشتند پیشکش‌هایشان برای این شماره استفاده شود که شرمندشان شدیم. چه کنیم که تعداد صفحات محدود است و مطالب تهیه شده برای این ماه بیش از حجم صفحات است؟! اگر خدا بخواهد مطالب‌شان را محرم سال آینده خواهید دید.

۳. اصلاً این مطلب را باید در ابتدای (روی میز تحریریه) می‌نوشتیم «آنچه که باعث شد پرونده ویژه‌مان، ویژه‌تر از همیشه شود، عنایت اباعبدالله‌الحسین بود و بس. دو ماه پیش نشستیم و برنامه‌ریزی کردیم برای پرونده محرم و بساط‌مان را مهیای محرم می‌کردیم که یک‌دفعه برنامه بازدید از کارگاه ساخت ضریح جدید اباعبدالله جور شد که گزارشش را طی صفحات قبل ملاحظه کردید... شما اسم این را هر چه می‌خواهید بگذارید... اما ما معتقدیم، شانس نبود. یکی دیگر از عنایات امام حسین بود. برای مائیکه تمام هم و غم‌مان تدارک یک ویژه‌نامه، در خور و شایسته این ماه عزیز بود.

۴. اجر همه دوستانی که برای این شماره زحمت کشیدند، با خود خودش! (خود آقا)

۵. ویژه‌نامه شماره آینده دیدار را از دست ندهید... از ما گفتن!

۶. نمی‌دانیم تا چه حد موفق شدیم ذائقه مخاطب‌مان را رعایت کنیم؟! اما اگر دقت کرده باشید انقلابی در طرح جلد‌های دیدار به پا کرده‌ایم... مسابقه را هم از این شماره راست و ریست کردیم.

داستان و طنز و دخترانه و پسرانه هم که... وقت‌شان را بیش‌تر کردیم! برای مصاحبه و گزارش و حتی خبرنگاران افتخاری مجله هم یک کارهایی انجام داده‌ایم که در راه است و وقتی از راه رسید، خودتان متوجه می‌شوید.

